

مجله‌ی سیاست دفاعی

سال بیست و دوم، شماره‌ی ۸۸، پاییز ۱۳۹۳

## بررسی و تبیین راهبرد «تهدید در مقابل تهدید»<sup>۱</sup> در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران

فتح الله کلانتری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۱/۲۳

اصغر افتخاری<sup>۳</sup>

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۱۷

صفحات مقاله: ۶۳ - ۹۰

### چکیده:

این تحقیق با هدف بررسی و تبیین جایگاه راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و به روش زمین‌های-موردی و با تحلیل کمی و کیفی (ترکیبی) نظامند و تفسیری انجام گردیده است. جامعه‌ی آماری بر اساس برآورد خبرگان (۲۳۰ نفر) برآورد شده که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ی ۶۹ نفر به روش هادفمنان نسبتی در دسترس تعیین شده است.

اطلاعات این تحقیق از دو روش کتابخانه‌ای، میدانی و اسناد و مدارک گردآوری و با طیف لیکرت تحلیل شده است. نتایج به‌دست آمده حکایت از آن دارد که راهبرد "تهدید در مقابل تهدید" از سوی جمهوری اسلامی می‌تواند در حوزه‌ی مدیریت تهدیدات نرم و سخت (با تأکید بر تهدیدات موشکی، تهدیدات دانش‌محور، رسانه‌ای، ممانعت از انعقاد پیمان‌های دفاعی-امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران و اعمال سیاست‌های پیش‌دستانه) مؤثر واقع گردد. این راهبرد علاوه بر دفع تهدیدات سیاسی، متقارن، غیرسستی و تدریجی، در کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده و انتقال کانون تهدید از محیط اطراف جمهوری اسلامی ایران مؤثر می‌باشد. بنابراین، راهبرد نوین می‌تواند از طریق همگرایی با بازیگران خارجی و قدرت‌سازی باعث اقتدار دفاعی همه‌جانبه شود.

\* \* \* \* \*

### 1 - threat against threat

۲ - دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، گرایش سیاست دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳ - دانشیار دانشگاه امام صادق(ع).

## واژگان کلیدی

تهدید، سیاست دفاعی، نظام چندوجهی، تهدیدات چندوجهی.

### مقدمه

امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «به خدا سوگند هر ملتی در درون خانه‌اش مورد هجوم قرار گیرد، حتماً ذلیل خواهد شد.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۷)

امروزه نظام‌های سیاسی با تهدیدات گوناگونی مواجه هستند که تهدیدات نظامی تنها بخشی از آنها را تشکیل می‌دهند. کشوری که می‌خواهد سیاست دفاعی مستقلی داشته باشد، باید نسبت به تهدیدات و ویژگی‌های آنها و این‌که این تهدیدات چگونه به وجود می‌آیند و استمرار می‌یابند، آگاهی داشته باشد تا شیوه‌ها و ابزارهای لازم برای مقابله با هر یک از انواع تهدیدات را بشناسد. (ساعد و علی‌دوستی، ۱۰۳: ۱۳۹۰)

مفهوم تهدید بسیار ظریف و پیچیده می‌باشد و به همین جهت به موازات تحولات و دگرگونی‌های بشری، این مفهوم نیز دچار تحول و دگرگونی شده است. منابع، سمت و سو و حجم تهدیدات هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است. دست‌اندرکاران سیاست دفاعی باید شناخت صحیح و دقیقی از نوع، میزان و سمت و سوی تهدیدات داشته و برنامه‌های لازم را برای مقابله با آن پی‌ریزی نمایند.

## اکلیات

### بیان مسأله و اهداف تحقیق

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران دارای طیف وسیعی از تهدیدات، همراه با شیوه‌ها و ابزارهای نوین است. با توجه به کارایی و اثرگذاری تهدیدات پیرامون محیط امنیتی این کشور، آیا شیوه‌های موجود جهت مقابله با تهدیدات پیچیده می‌تواند کارایی و اثربخشی لازمه را داشته باشد؟ آنچه که ذهن محقق را به خود معطوف نموده، این است که با خروج جهان از

انحصار قدرت‌های سنتی و تشکیل نظام‌های چندوجهی، تهدیدات سنتی به تهدیدات نوین که دارای ابعاد و پیچیدگی‌های خاص خود می‌باشد، تبدیل شده و از طرفی تا کنون راهبرد مناسبی جهت مقابله با تهدیدات جدید ارائه نگردیده است. در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات چندوجهی قرار گرفته که جهت مقابله با آن نیازمند ارائه‌ی راهبرد جدیدی تحت عنوان «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی خود می‌باشد.

بنابراین، مسأله‌ی این تحقیق عبارت است از این که راهبردهای موجود در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران جهت پاسخگویی به تهدیدات متصوره مبتنی بر اصول تدافعی و بازدارندگی بوده و به همین دلیل، ممکن است از انعطاف و پویایی لازم برخوردار نباشد. از این رو، لازم است که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» تدوین گردد. بر مبنای مسأله هدف اصلی تحقیق عبارت است از: شناخت گستره‌ی کاربری راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران جهت خنثی نمودن و مدیریت انواع تهدیدات، کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده و انتقال پایگاه‌های آنها از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، اهداف فرعی عبارتند از:

- الف) تبیین نحوه‌ی دفع یا خنثی نمودن تهدیدهای خارجی، نظامی، متقارن، فناورانه، تدریجی، سیاسی، غیرسنتی و نرم؛
- ب) تبیین مدیریت تهدیدات و ضرورت کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده و انتقال پایگاه‌های آنها از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران؛
- ج) تبیین نحوه‌ی دفع یا خنثی نمودن تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، چندوجهی، غیرمستقیم و پراکنده.

سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: گستره‌ی کاربری راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور خنثی نمودن و مدیریت انواع تهدیدات،

کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده و انتقال پایگاه‌های آنها از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران چگونه و به چه میزان است؟

سؤالات فرعی عبارتند از:

الف) نحوه‌ی دفع تهدیدهای خارجی، نظامی، متقارن، فناورانه، تدریجی، سیاسی، غیرسنستی و نرم چگونه و به چه میزان است؟

ب) نحوه‌ی کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده و انتقال پایگاه‌های آنها از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران چگونه و به چه میزان است؟

ج) نحوه‌ی دفع تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، چندوجهی، غیرمستقیم و پراکنده چگونه و به چه میزان است؟

#### اهمیت و ضرورت تحقیق

هر نظام سیاسی نیاز دارد تا تهدیدات متوجه خود را از حیث اهمیت، دسته‌بندی کرده و بر مبنای اولویت آنها نسبت به شناسایی ساختار درونی و جهت‌گیری‌های بیرونی پردازد. وظیفه‌ی تمامی متولیان حوزه‌ی دفاعی و امنیتی کشور اتخاذ سیاست‌های دفاعی به‌منظور کسب توان راهبردی جهت مقابله با تهدیدات فزاینده می‌باشد. بنابراین، اجرای این تحقیق دارای فواید زیر می‌باشد:

الف) سطح، نوع و میزان تهدیدات جدید دشمن رصد می‌گردد و متولیان امور سیاسی و دفاعی به‌راحتی می‌توانند آنها را دفع نمایند؛

ب) راهبرد جدیدی جهت مقابله با تهدیدات نوین در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود؛

ج) غلبه نمودن بر حوادث احتمالی گوناگون و غیرقابل پیش‌بینی که به شکل تدریجی و غیرمحسوس شکل می‌گیرد؛

د) با تنوع تهدیدات و تغییرات موقعیت‌های راهبردی انطباق ایجاد می‌نماید.

در صورت عدم اجرای این تحقیق روش برخورد با تهدیدات کماکان سنتی و متکی به قدرت نظامی است و از طرفی نظام سیاسی نمی‌تواند صورت‌های گوناگون تهدید را درک نماید، پس در نوع برخورد با آن ابهام به‌وجود می‌آید و سیاست دفاعی ماهیت پویایی و انعطاف‌پذیری خود را به حالت ایستایی تبدیل می‌کند.

### روش تحقیق

محقق تلاش نموده تا با مطالعه‌ی عمیق بر روی نمونه‌هایی از یک پدیده (انواع تهدیدات) نسبت به شناخت موقعیت قبلی، ارائه‌ی کامل و دقیق موقعیت فعلی و بالاخره ارائه‌ی پیشنهاد مناسب به‌منظور آینده‌نگری اقدام نماید. با توجه به این‌که نتایج تحقیق کاربردی، تصمیم‌گرا می‌باشد، نوع پژوهش کاربردی است. این تحقیق با اوصاف و مؤلفه‌های نرم و سخت انواع تهدیدات مرتبط بوده و به روش کمی و کیفی (ترکیبی) نظام‌مند و تفسیری انجام گردیده و نتایج آن قابل تعمیم نمی‌باشد؛ بنابراین، از روش پژوهش زمینه‌ای-موردی استفاده شده است. داده‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS وارد شده و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### روش و ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات این تحقیق از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای علمی - تخصصی و اسناد و مدارک مرتبط با موضوع گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و مطالعات میدانی تخصصی انجام شده و اطلاعات نظری موردنیاز از طریق جستجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی به‌دست آمده است. کتاب‌ها، مقاله‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور و جهان نیز در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. در روش میدانی با طرح، ۱۸ سؤال بسته (شامل ۱۴ پرسش مربوط به نحوه‌ی دفع تهدیدات نرم و سخت و ۴ پرسش مربوط به مدیریت تهدیدات و کارکردهای سیاست دفاعی) در پنج سطح طبقه‌بندی از طریق طیف لیکرت اقدام گردیده است. در طراحی پرسش‌نامه به‌وسیله‌ی

تکنیک دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، اساتید، متخصصان و خبرگان، عوامل بالقوه مرتبط با موضوع شناسایی و سپس پرسش‌نامه‌ی مقدماتی تهیه گردید و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسش‌نامه‌ی نهایی آماده شد. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا (اعتبار محتوا) و توزیع چند مرحله‌ای پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران بهره‌برداری شده است. جهت تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید و یک نمونه‌ی اولیه شامل ۳۵ پرسش‌نامه بین اساتید دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup> و دانشکده‌ی امنیت پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسش‌نامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷ (۸/۲۱) تأیید شد؛ بنابراین، پرسش‌نامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد.

#### جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری شامل اساتید، خبرگان، مدیران ارشد و فرماندهان درگیر در زمینه‌ی تهدیدات، مطالعات سیاسی، امنیت ملی، سیاست‌مداران وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات، استراتژیست‌های نظامی ستاد کل نیروهای مسلح (سپاه پاسداران، ارتش، وزارت دفاع) که دارای حداقل سه سال سابقه‌ی کار در مسائل راهبردی تهدیدات و امور دفاعی با داشتن جایگاه سازمانی ۱۸ می‌باشند. در این پژوهش جامعه‌ی آماری با توجه به حساسیت و خاص بودن موضوع پژوهش بسیار محدود بوده و با توجه به نظر کارشناسان و خبرگان (برابر جدول شماره‌ی ۱) در مجموع ۲۳۰ نفر برآورد شده است.

#### حجم نمونه

نمونه‌گیری در این روش سهمیه‌ای و به شکل نسبتی در دسترس و راهبردی انجام شده است. خبرگان بر اساس هدف‌های خاص تحقیق و راهبردهای حل مسأله انتخاب شده‌اند و به‌طور هدفمند تلاش شده است تا از هر زیرگروه، تعدادی مشخص در نمونه باشد. از ۲۳۰ نفر جامعه‌ی نمونه با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه، ۶۹ نفر تعیین گردیدند.

جدول شماره ۱ - تعداد نمونه

ردیف	نام سازمان	تعداد جامعه	تعداد نمونه
۱	ستاد کل نیروهای مسلح	۳۱	۸
۲	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۴۹	۱۸
۳	ارتش جمهوری اسلامی	۴۹	۱۸
۴	وزارت امور خارجه	۲۲	۵
۵	وزارت دفاع	۲۹	۷
۶	وزارت اطلاعات	۳۱	۸
۷	دانشگاه عالی دفاع ملی	۱۹	۵
	تعداد کل	۲۳۰	۶۹

## پیشینه پژوهش

موضوع جایگاه راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران که این مقاله به آن پرداخته است، فاقد پیشینه مشخص و در دسترس است. با مراجعه به پژوهشکده‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، دو عنوان مقاله به شرح ذیل تألیف و چاپ شده بود:

شاخص‌های ارزیابی سیاست دفاعی، توسط آقایان دکتر یعقوب زهدی عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup> و دکتر محمود عسکری محقق مرکز تحقیقات که در فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، شماره ۲۳، زمستان سال ۱۳۸۷ چاپ شده است و نتایج به دست آمده از این تحقیق در ادامه می‌آید: «سیاست دفاعی دارای سطحی کلان و راهبردی است که به مثابه یکی از شاخص‌های قدرت دفاعی نقش تعیین‌کننده‌ای بر تقویت قدرت و بنیه‌ی دفاعی کشور دارد. سیاست دفاعی

نباید حالت ایستا داشته باشد، یکی از سازوکارهای رسیدن به یک سیاست دفاعی پویا که منجر به پیشرفت توانمندی‌های دفاعی و تأمین بهتر و بیش‌تر امنیت می‌گردد، ارزیابی و اصلاح و بهبود خط‌مشی‌های گذشته است. در این مقاله فقط بعد سیاست دفاعی را بررسی نموده و توجهی به مدیریت تهدیدات به‌عمل نیاورده است.»

به همین دلیل، محقق قصد دارد تا به کاربست «راهبرد تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران، توسط آقایان دکتر ابومحمد عسکرخانی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و محمدرضا حق‌شناس کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران که در فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، شماره‌ی ۳۳، سال ۱۳۹۰ چاپ شده است و نتایج حاصله از این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

«تهدیدهای منطقه‌ای نه تنها انعکاس فرایندهای بحران‌ساز در حوزه‌های محیط پیرامون و فرایرامون جمهوری اسلامی ایران بوده، بلکه می‌توان آن را در قالب نشانه‌هایی از دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه نیز مورد ملاحظه قرار داد. الگوی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در صدد بالا بردن سطح بازدارندگی، بهبود ضریب امنیتی کشور و خلق محیط امنیتی مطلوب و سازنده است. چنین محیطی بستر ساز بالندگی و رفاه مردم کشور در سطح داخل بوده و باعث نهادینه ساختن رژیم امنیت جمعی در سطح محیط پیرامونی و فرایرامونی خود خواهد بود. این همان دیپلماسی دفاعی- راهبردی است. در این مقاله فقط بعد تهدیدات منطقه‌ای را بررسی نموده و توجهی به سیاست دفاعی به‌عمل نیاورده است.»

به همین دلیل محقق قصد دارد به کاربست «راهبرد تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

### چارچوب نظری و مبانی تحقیق

#### چیستی تهدید



فرهنگ آکسفورد تهدید را این‌گونه تعریف می‌کند: «امکان به وحشت انداختن، ترساندن یا ایجاد فاجعه برای یک فرد یا جامعه. آسیب‌زدن به کسی یا چیزی، نتایج ناخوشایند به بار آوردن.» (Oxford, 2005: 246)

صرف‌نظر از معانی لغوی و لفظی تهدید، در ادبیات امنیتی تعاریف و توصیف‌های گوناگونی از تهدید صورت گرفته است.

وجود یک فشار خارجی منفی، فقدان امنیت، ایجاد اختلال در توانایی‌های کشور در کسب اهداف ملی، اقداماتی که کمیت و کیفیت زندگی مردم یک کشور یا دامنه‌ی اختیارات حکومت را به‌طور جدی کاهش دهد، درک و ساخت یک دشمن یا وضعیت خطرناک، محدودکردن و حبس آزادی<sup>۱</sup> و رهایی. (Richard, 1999: 118)

در یک نگاه کلی به تعریف و تحلیل‌هایی که از تهدید صورت گرفته، می‌توان دو رویکرد متفاوت در این زمینه را مشاهده نمود. در یک رویکرد تأکید بیش‌تری بر عامل و شرایط عینی واقعی وجود دارد. رویکرد اول طیف واقع‌گرایان<sup>۲</sup> اثبات‌گرا<sup>۳</sup> را در بر می‌گیرد و نظریات انتقادی<sup>۴</sup> و فرا اثبات‌گرایانه<sup>۵</sup> رویکرد دوم را طرح می‌کنند.

در نگاه اول، تهدید، عاملی (عواملی) عینی و خارجی است که منافع، ارزش‌ها و اهداف موردنظر را به مخاطره می‌اندازد، در حالی‌که در نگاه دوم در واقع، تهدید همان درک بازیگران از شرایط خاص موجود می‌باشد. این درک لزوماً با واقعیت تطبیق نمی‌کند. تهدید عبارت از عاملی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده‌ها و رابطه‌ی آنها با بقا، کمیت یا کیفیت ارزش‌های اساسی و مورد احترام بر وجود خطر جدی یا امکان نابودی آن ارزش‌ها دلالت می‌کنند. (گروه مطالعاتی امنیت ملی، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۹۹)

- 
- 1 - Emancipation
  - 2 - Realists
  - 3 - Positivist
  - 4 - Critical
  - 5 - Post Positivism

### بعد نظامی تهدیدات امنیتی در مکتب کپنهاگ

این مکتب به جای تبیین مفهوم امنیت بر اساس قدرت - امنیت به تبیین مفهوم امنیت بر اساس تهدید - امنیت می‌پردازد. بر این اساس، امنیت عبارت خواهد بود از رهایی از تهدید. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۳۵) از نظر مکتب کپنهاگ شناسایی امنیت ملی صرفاً پس از درک معقول از ماهیت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های امکان‌پذیر است. هم‌چنین فقدان امنیت و یا وجود ناامنی، بازتاب ترکیبی از تهدیدها و آسیب‌پذیری‌هاست که جدا ساختن معنادار آنها از یکدیگر ناممکن است. بر این اساس، سیاست امنیت ملی می‌تواند روی مسائل داخلی تمرکز نموده و در پی کاهش آسیب‌پذیری‌های دولت باشد یا بر مسائل خارجی تمرکز داشته و از طریق منابع ذی‌ربط در صدد کاهش تهدیدات خارجی برآید. مکتب کپنهاگ بر خلاف مطالعات سنتی امنیت، حوزه و محورهای تهدیدات را گسترش داده و تهدیدات را نه صرفاً نظامی بلکه در پنج حوزه‌ی نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مورد توجه قرار می‌دهد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۳۵) به این ترتیب، با جداسازی تهدیدات عام از تهدیدات امنیتی ملی، فقط «تهدیدات وجودی»<sup>۱</sup> را تهدیدات مربوط به امنیت ملی می‌داند و تهدیدات وجودی را نیز تهدیدات مربوط به بقا تعریف می‌نماید. بنابراین، آن دسته از تهدیداتی که موجودیت موضوع مورد نظر (حوزه‌های پنج‌گانه‌ی تهدید) را به مخاطره اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب و یا آسیب جدی روبرو سازد، تهدیدات وجودی نامیده می‌شوند. علی‌رغم آن‌که در نظریه‌ی سازه‌انگاری بعد نظامی امنیت در درجه‌ی اول اهمیت قرار ندارد، اما به آن نیز بی‌توجهی نشده است؛ چرا که ملاحظات نظامی هم‌چنان اهمیت خود را در کنار ابعاد نوینی چون سیاست، اقتصاد و فرهنگ حفظ می‌نمایند. (Hirst, 110: 2001) حوزه‌ی نظامی به شدت با حوزه‌ی سیاسی در ارتباط است، زیرا در مطالعات امنیتی، موضوع امنیت در هر دو حوزه به دولت و حاکمیت ارجاع داده می‌شود. (Buzan&Others, 1998: 141) در این چارچوب تهدیدات نظامی هم از نظر هدف و هم از نظر ابراز، مورد توجه قرار می‌گیرند. در برخی موارد تهدیدات نظامی، موضوعات نظامی را هدف خود قرار می‌دهند و در موارد دیگر تهدیدات نظامی، تهدید از

---

1 - Existential Threat

طریق ابزار نظامی تلقی می‌شوند. بر اساس عناصر و شاخص‌های فوق و ماهیت قدرت نظامی و موضوع مورد بررسی، می‌توان مرکز ثقل تهدیدات نظامی را اقتدار بلامنازع نیروهای مسلح که به‌طور طبیعی با حاکمیت و تمامیت سرزمینی گره خورده‌اند، قرار داد.

#### گونه‌شناسی تهدیدات

با عنایت به تکثر تهدیدات، عمده‌ترین گونه‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. بوزان از تهدیدات اصلی به شرح زیر سخن گفته است: (باری بوزان، ۱۴۲: ۱۳۷۸)

#### تهدیدات سیاسی

تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. صیانت عناصر سه‌گانه‌ی دولت (ایده، سازمان و منافع) از تعرضات بیرونی، بخش محوری امنیت ملی را شکل می‌دهد که از جمله مصادیق بارز آن می‌توان به تلاش برای واژگون نمودن دولت، دامن زدن به حرکت‌های جدایی‌طلبانه، تضعیف دولت و آسیب‌پذیر نمودن آن در برابر تحرکات خارجی اشاره نمود. هر تهدیدی که به نوعی با هویت، ثبات سازمانی، موجودیت یا منافع دولتی خاص مرتبط باشد، تهدیدی سیاسی ارزیابی می‌شود. (رابرت ماندل، ۱۶۳: ۱۳۷۹)

#### تهدیدات اقتصادی

در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان تهدیدات اقتصادی را در دو حوزه‌ی اصلی تولید و توزیع رده‌بندی نمود. در حالی که گونه‌ی نخست متوجه افزایش میزان تولید متناسب با نیازمندی‌های عمومی است. دومین دسته، تهدیداتی را دربر می‌گیرد که برابری فرصت را در دستیابی به امکانات تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۲۳)

#### تهدیدات نظامی

جنگ و تهدید ملازم دائمی بشر در طول تاریخ بوده‌اند و انسان همواره با نوع کار و فعالیت خود آن را تحت تأثیر قرار داده است. از دوران باستان، از زمان جنگ‌های ایرانیان، مصریان، یونانیان و چینی‌ها تا به امروز بشر مشغول مطالعه‌ی تهدیدات جنگ و ویژگی‌های آن بوده است و

همواره جوامعی پیروز و غالب شده‌اند که توانسته‌اند بر اساس فرهنگ راهبردی، محیط و ماهیت تهدیدات و قابلیت‌های در دسترس، یک تصویر جامع و دقیق از جنگ زمان خود را ترسیم کنند و بر آن اساس، فناوری، دکترین و سازمان رزمی‌شان را توسعه دهند. (محمدی‌نجم، ۵: ۱۳۸۷)

تهدید نظامی در گفتمان سنتی از امنیت دارای کاربرد بسیاری می‌باشد. به گونه‌ای که:

- ۱) امنیت با افزایش توان نظامی فهم می‌شود؛
- ۲) روابط بین بازیگران به بازاری با حاصل جمع صفر تبدیل می‌شود که در آن تلاش برای افزایش منافع بدون کاهش در منافع دیگران متصور نیست؛
- ۳) اصل برای افزایش منافع خود به سرکوب دیگران همت گمارد والا دیگران چنین خواهند کرد، حاکم و معتبر است. معنای گزاره‌های بالا آن است که امنیت با نبود تهدید نظامی اصولاً مرتبط است. (Hirst: 110: 2001):

#### تهدیدات اجتماعی

موضوع اصلی تهدیدات اجتماعی را «هویت» تشکیل می‌دهد که با عناصری چون زبان، فرهنگ و ... شناسانده می‌شود. با این حال، به دلیل اهمیت فزاینده‌ی «هویت اجتماعی» در معادلات امنیتی طی سال‌های پایانی قرن بیستم، شاهد تولید دو دسته از متون امنیتی می‌باشیم که هر یک به روایتی از «تهدید اجتماعی» تأکید دارند. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۷۰)

#### تهدیدات زیست محیطی

رویکرد زیست محیطی که دارای تلقی نوینی از سیاست می‌باشد، دربردارنده‌ی معیارهای تازه‌ای می‌باشد که در تمیز مسائل انسان معاصر بسیار متفاوت از موارد قبلی عمل می‌نماید. به عبارت دیگر، رویکرد سبز، تهدیدات را موضوعاتی خاص ارزیابی می‌کند که صرفاً با مقولات امنیتی - نظامی قابل فهم نیستند. آنچه برای این دسته از تحلیل‌گران در خور توجه می‌نماید، نسبتی است که انسان با محیط اطرافش برقرار می‌نماید؛ از این رو، می‌توان ادعا کرد که نگرش زیست محیطی معرف پیدایش شکلی نوین از تهدیدات می‌باشد که از ناحیه‌ی سیاست‌های

اقتصادی انسان در بستر طبیعت شکل گرفته و به صورت فزاینده‌ای ابعاد مختلف زندگی سالم انسان را بر روی کره‌ی زمین تهدید می‌نماید. از این منظر، محیط زیست‌گرایی به مثابه صورت رفتاری ارزیابی می‌شود که به دنبال آن هستند تا روابط مخرب کنش بشری را اصلاح و از تخریب هر چه بیش‌تر محیط طبیعی به نفع حیات سالم، ممانعت به عمل آورند. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۷۴)

### تهدیدات فناورانه

فناوری پدیده‌ای پیچیده است که می‌توان آن را به دانش و مهارت‌های لازم برای تولید کالا و خدمات که حاصل قدرت فکری و شناخت انسان و ترکیب قوانین موجود در طبیعت می‌باشد، تعریف نمود. فناوری با این رویکرد دارای تاریخی طولانی به‌شمار می‌آید که البته در دهه‌های اخیر تحول شگرفی یافته است، به‌گونه‌ای که ماهیت و ابزارهای حیات انسان را متأثر ساخته و گفتمان جدیدی را در معادلات فردی، گروهی، ملی و جهانی حاکم ساخته است. (بیات، ۱۳۹۰: ۸)

### اقسام تهدیدات (گروه مطالعاتی امنیت ملی، ۱۳۸۷: ۱۱۹ تا ۹۹)

تهدیدات را می‌توان به اعتبارات مختلف در اقسام گوناگون دسته‌بندی کرد:

#### تهدید داخلی و خارجی

این تقسیم به اعتبار محل منبع (عامل) تهدید صورت گرفته است. در برخی از موارد منبع تهدید خارج از محیط تهدیدشونده قرار دارد؛ به‌طور مثال، چنانچه محیط مفروض یک کشور باشد، تهدید نظامی کشور همسایه یک تهدید خارجی تلقی می‌شود، اما اگر منبع تهدید داخل محیط تهدیدشونده باشد، تهدید، داخلی است. (2002، Others & Buzan: 51) به‌طور معمول، به‌دلیل این‌که تهدیدات داخلی از نظر اطلاعات، تحلیل و پیش‌بینی برای مدیریت امنیتی قابلیت‌های بیش‌تری نسبت به تهدیدات خارجی دارند، باید این تهدیدات را قابل کنترل‌تر تلقی کرد (ماندل، ۱۳۷۹: ۵۳)، اما در بسیاری از کشورهای ضعیف، به‌دلیل حجم بالای آسیب‌ها و تهدیدات داخلی و ضعف در ساختارها و نیروی انسانی در مدیریت کلان، عملاً ضریب کنترل این تهدیدات پایین و هزینه‌های آن بالا می‌باشد. (Jason، 5: 2009)

### تهدید بسیط و چندوجهی<sup>۱</sup>

گاه یک تهدید تنها یک حوزه یا بعد خاصی را تحت تاثیر و نفوذ خود قرار می‌دهد و گاه چندین حوزه از سوی یک تهدید در معرض خطر قرار می‌گیرند.

به‌طور مثال، یک تعرض مرزی محدود و موردی تنها تهدید نسبت به مرز جغرافیایی محسوب می‌شود، اما یک جنگ تمام‌عیار تقریباً تمام حوزه‌های حیات بشر را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دلیل پیچیدگی‌های موجود در جهان معاصر، تهدیدات مهم از حالت بسیط و تک‌بعدی خارج شده و معمولاً کشورها با تهدیدات چندوجهی روبرو می‌باشند. بدیهی است درک و مدیریت تهدیدات چندوجهی به مراتب دشوارتر از تهدیدات بسیط می‌باشد. (باری بوزان، ۱۴۱: ۱۳۷۸)

### تهدید مستقیم (رسمی) و غیرمستقیم (غیررسمی)

این تقسیم به اعتبار میزان آشکار بودن نیت‌ها و هویت‌ها در طرف تهدیدکننده قابل تصور می‌باشد. برخی از تهدیدات به‌صورت آشکار و مشخص صورت می‌گیرد. اعلام جنگ نظامی، نمونه‌ی بارز این تهدید است؛ اما گاه از نیت و هویت تهدیدکننده علائم آشکاری وجود ندارد، بلکه بر عکس به‌ظاهر علائم مثبت قابل دریافت می‌باشد؛ البته در واقع تهدیدکننده، قصد تخریب ارزش‌های مورد احترام تهدیدشونده را دارد. تهدیدات عامدانه نسبت به فرهنگ، ایدئولوژی و بنیان‌های اجتماعی و تمدنی یک کشور از نوع تهدیدات غیرمستقیم یا نفوذ غیررسمی تلقی می‌شوند. (ماندل، ۶۳: ۱۳۷۹)

### تهدید سنتی و غیرسنتی (جدید)

تحولات گوناگون، تهدیدات جدیدتری را در کنار تهدیدات سنتی ایجاد نموده است. در تهدیدات سنتی مانند جنگ یا فشار اقتصادی ویژگی‌هایی وجود دارد که تهدیدات جدیدتر این ویژگی‌ها را ندارند یا در حد کمی از آنها برخوردارند. به‌عنوان مثال، تهدیدات سنتی معمولاً

---

1 - Multi dimensional Threats

دولت محور، دارای بازیگران ملی و دارای جغرافیای مشخص هستند، اما تهدیدات جدید مانند تهدیدات زیست محیطی، جرائم سازمان یافته یا مهاجرت، دولت محور نبوده و به صورت فراملی، فراجغرافیایی، و چندوجهی هستند. اگر در مقابله با تهدیدات سنتی، سیاست های دفاعی بخش اصلی سیاست های امنیتی را تشکیل می داد، در تهدیدات جدیدتر، سیاست های امنیتی وسیع تر می باشند و تنها با سیاست های دفاعی قابل حل و فصل نیستند. (تریف، ۲۲۸: ۱۳۸۳)

#### تهدید متمرکز و پراکنده

چنانچه کانون و منبع تهدید مشخص و شفاف باشد، تهدید متمرکز است، اما در صورتی که مرکز ثقل تهدید، مبهم و پخش باشد، تهدید غیرمتمرکز یا پراکنده است. (باری بوزان، ۱۶۰: ۱۳۷۸) البته در تهدیدات فرآیندی مانند تهدیدات و آسیب های فرهنگی و اجتماعی به دلیل نامتمرکز بودن کانون تهدیدات (یا آسیب ها) تهدید، پراکنده خواهد بود. تهدیدات پراکنده بر خلاف تهدیدات متمرکز به صورت شدید قابل درک نیستند و به همین دلیل، ممکن است حتی در تهدید بودن آنها نیز اختلاف وجود داشته باشد. هم چنان که در مورد تهدید بودن جهانی شدن بین بازیگران مختلف و دولت ها اختلاف نظر وجود دارد. (ماندل، ۶۹: ۱۳۷۹)

#### تهدید سخت و نرم

در مورد تهدید سخت و نرم تلقی واحدی وجود ندارد. برخی تهدیدات نرم را تهدیداتی غیرنظامی مانند تهدیدات محیط زیست، جرائم، فساد و ... دانسته اند که شبیه به بعضی از تقسیم بندی های قبلی است. (Luis، 8: 2011)

دبیرکل سابق سازمان ملل (کوفی عنان) تهدیدات سخت سازمان را تروریسم و سلاح های کشتار جمعی و تهدیدات نرم آن را فقر، ایدز و محیط زیست معرفی کرد.

این تهدیدات از دو جهت قابل بحث است:

**الف) از جهت ابزار و شیوه های تهدید:** در برخی از تهدیدات ابزارها و شیوه های تهدیدکننده، سخت و توأم با زور و اجبار است، مانند تهدید نظامی یا تحریم

اقتصادی، اما در مواردی ابزار یا شیوه‌ی مورد استفاده، نرم و غیرخشونت‌آمیز است، مانند استفاده از رسانه، فیلم و روش اقناع.

ب) از جهت هدف و سوژه‌ی تهدید: در برخی از موارد هدف تهدیدکننده، موضوعات سخت و عینی است، مانند تخریب اماکن و تأسیسات نظامی و سیاسی، کشتن انسان‌ها و ...، اما در موارد دیگر ممکن است هدف تهدیدکننده تغییر نگرش‌ها، افکار و علائق افراد یا جامعه باشد. انقلاب‌های رنگین از مصادیق تهدید نرم می‌باشند. (گروه مطالعاتی پدافند غیرعامل، ۹۴: ۱۳۸۶)

#### تهدید متقارن (همطراز)<sup>۱</sup> و نامتقارن (ناهمطراز)<sup>۲</sup>

این تقسیم به اعتبار میزان تناسب متعارف بین قدرت و تهدید یا تهدید و دفاع صورت می‌پذیرد. معمولاً میزان تهدیدکنندگی یک طرف با میزان منابع قدرت متعارف طرف دیگر تناسب دارد. کشوری که دارای تجهیزات نظامی بیش‌تر و بهتر است، تهدیدکنندگی بیش‌تری دارد. تهدید این کشور در مقابل یک کشور ضعیف‌تر تهدید متقارن یا همطراز تلقی می‌شود، اما اگر کشور ضعیف‌تر، تهدید غیرمتعارف نسبت به منابع قدرت حریف قوی‌تر ایجاد کند، تهدید نامتقارن یا ناهمطراز است. نکته‌ی قابل توجه آن است که قدرت‌های بزرگ (مانند آمریکا) آسیب‌های بزرگی نیز دارند و همین امر تهدیدات نامتقارن علیه آنها را بیش‌تر و متنوع‌تر می‌نماید. (Robert David Steele, 1999: 80) تهدیدات نامتقارن از نظر نوع، شیوه و ابزارها کاملاً منعطف و وسیع می‌باشد و یک دولت، سازمان و حتی افراد می‌توانند این تهدید را اجرا کنند. (Michael L.Kolodzie, 9: 2001)

#### تهدید در مقابل تهدید

از آنجایی که دو ابزار مهم تربیتی برای همه‌ی نسل‌ها و عصرها تهدید و تشویق است، قرآن کریم که کتاب هدایت است، از هر دوی این ابزارها، هم برای مؤمنان و هم برای غیرمؤمنان استفاده

1 - Symmetric

2 - Asymmetric



کرده است. در مقام تهدید به مؤمنان می‌فرماید: «هر کس به شما تجاوز کند، به مانند آن بر او تجاوز کنید و از خدا بپرهیزید (و تعالی و زیاده‌روی ننمایید) و بدانید خدا با پرهیزکاران است» (بقره، ۱۹۴) و در جایی دیگر می‌فرماید: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان)، آماده سازید و (هم‌چنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله‌ی آن، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید و (هم‌چنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) اتفاق کنید، به‌طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.» (الانفال، ۶۰)

مقام معظم رهبری برای اولین بار راهبرد تهدید در مقابل تهدید را بیان فرمودند: «ما اهل تجاوز به هیچ ملتی و هیچ کشوری نیستیم؛ ما هرگز اقدام به جنگ خونین نمی‌کنیم، ملت ایران این را به اثبات رسانده است، اما ما ملتی هستیم که هرگونه تجاوز را، بلکه هرگونه تهدید را با استواری و با قدرت کامل پاسخ خواهیم داد. ما ملتی نیستیم که بنشینیم تماشا کنیم قدرت‌های پوشالی مادی که از درون کرم‌خورده و موربانه خورده‌اند، ملت استوار و پولادین ایران را تهدید کنند.» «ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم.» هر کسی فکر تجاوز به جمهوری اسلامی ایران در مخیله‌اش خطور کند، باید خود را آماده‌ی دریافت سیلی‌های محکم و مشت‌های پولادین کند؛ از سوی ملت مقتدر ایران، از سوی نیروهای مسلح؛ ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مردمی و پشت سر همه، ملت بزرگ ایران. و بدانند هم آمریکا بدانند، هم دست‌نشانداگانش بدانند، هم سگ نگهبانش رژیم صهیونیستی در این منطقه بدانند؛ پاسخ ملت ایران به هرگونه تعرضی، هرگونه تجاوزی، بلکه هرگونه تهدیدی، پاسخی خواهد بود که از درون، آنها را از هم خواهد پاشید و متلاشی خواهد کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه افسری امام علی<sup>(ع)</sup>: ۱۳۹۰/۸/۱۹)

«آمادگی و روحیه‌ی پای کار بودن ملت ایران و نیروهای مسلح، آن‌چنان هیبتی به‌وجود آورده است که اجازه‌ی گمان و توهم تجاوز را نیز به دشمن نخواهد داد. ملت ایران به پیروی از تعالیم اسلام، اهل تجاوز و تعرض نیست، اما در مقابل هیچ تجاوزی نیز کوتاه نخواهد آمد.» (بیانات مقام معظم رهبری در خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۷/۲۱) «جوامع انسانی از زاویه تهدید و امنیت یا در شرایط صلح به سر می‌برند و یا در شرایط

جنگ و حد فاصل این دو هم تهدید و بحران وجود دارد. به نوعی ملت ما و بسیاری از ملت‌های منطقه در شرایط تهدید به سر می‌برند و دلایلش هم این است که آمریکایی‌ها و رژیم اشغالگر قدس بعد از حادثه‌ی مشکوک ۱۱ سپتامبر طبل جنگ زدند و ملت‌ها را تهدید به جنگ می‌کنند و در طی کم‌تر از ۸ سال، ۴ جنگ را بر ملت‌های منطقه تحمیل کرده‌اند. در باب نیروهای مسلح هم همین‌طور است. نیروهای مسلح ارتش و سپاه یا در شرایط صلح به سر می‌برند و یا در شرایط جنگ و حد فاصل اینها تهدید و بحران است و ما الان در شرایط تهدید به سر می‌بریم.» (سرلشکر پاسدار غلامعلی رشید، ۸۹/۶/۲۷)

### سیاست و سیاست دفاعی

سیاست دفاعی هر دولت واکنشی است به تهدیدات عینی و ذهنی برخاسته از محیط امنیتی خود با توجه به اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت دولت. سیاست دفاعی دارای دو کارکرد ویژه است، نمایش قدرت و استتار قدرت (پوشاندن نقاط آسیب‌پذیر). این سیاست دفاعی است که تشخیص می‌دهد در چه زمان باید به نمایش قدرت و در چه زمانی به استتار آن پرداخت. سیاست دفاعی آینده‌نگر در حوزه‌ی نظامی واجد خصوصیات تهاجمی، تدافعی و بازدارنده و در سایر حوزه‌ها دارای مناسب‌ترین رویکرد و نگرش‌هاست. (حسنلو، ۱۵۴: ۱۳۸۸) سیاست خط‌مشی‌ها و رهنمودهایی هستند که برای راهنمایی، تفکر، تصمیم و اقدامات مدیران و فرودستان آنها در اجرای راهبرد سازمان تدوین می‌شوند. (پیرس و رایبسون، ۵۲: ۱۳۸۴) سیاست دفاعی، خط‌مشی‌ها و راه‌کارهای یک دولت اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... برای به‌کارگیری عناصر قدرت ملی به‌منظور برقراری امنیت ملی و رفع تهدیدات داخلی و خارجی و رویارویی با حوادث غیرمترقبه. (نوروزی، ۴۱۹: ۱۳۸۵)

از سیاست دفاعی دو معنا را می‌توان برداشت کرد: در معنای اول، سیاست دفاعی خط‌مشی‌های کلی (اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و...) یک دولت به‌منظور رفع تهدیدات امنیتی است. از این منظر، سیاست دفاعی با اصلاحاتی هم‌چون سیاست امنیت ملی و راهبرد ملی مترادف است. در معنای دوم، آن بخش از سیاست‌های یک دولت را که بیش‌تر متوجه مسائل نظامی است، سیاست دفاعی می‌نامند. از این دیدگاه، سیاست دفاعی با سیاست نظامی مترادف است، و در کنار دیگر سیاست‌های دولت مانند سیاست اقتصادی و سیاست آموزشی قرار می‌گیرد. (حسینی جیردهی، ۴۵: ۱۳۷۳)

## تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این بخش نقش راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را جهت خنثی نمودن و یا مدیریت تهدیدات در طیف‌های پنج‌گانه بررسی می‌نماییم:

۱-۴- طیف ۱: عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی زیاد: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۶۹) در میانگین گزینه‌ی زیاد (۴ امتیاز) به‌دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۲۷۶ تا ۳۴۵ امتیاز کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۲-۴- طیف ۲: عوامل تأثیرگذار با قدرت زیاد: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۶۹) در میانگین گزینه‌ی متوسط (۳ امتیاز) به‌دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۲۰۷ تا ۲۷۵ امتیاز کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۳-۴- طیف ۳: عوامل تأثیرگذار با قدرت متوسط: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۶۹) در میانگین گزینه‌ی کم (۲ امتیاز) به‌دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۱۳۸ تا ۲۰۶ امتیاز کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۴-۴- طیف ۴: عوامل تأثیرگذار با قدرت کم: امتیازدهی مبتنی بر ضرب مجموع نفرات (۶۹) در میانگین گزینه‌ی خیلی کم (۱ امتیاز) به‌دست آمده است. تمامی گزینه‌هایی که ۷۰ تا ۱۳۸ امتیاز کسب کرده‌اند، در این طیف قرار می‌گیرند.

۵-۴- طیف ۵: عوامل تأثیرگذار با قدرت خیلی کم: در این طیف مجموعه متغیرهایی قرار دارند که ۶۹ امتیاز کسب نموده‌اند. کم‌ترین امتیاز کسب‌شده توسط یک متغیر مساوی ۶۹ امتیاز است. نحوه‌ی تأثیرگذاری طیف‌ها، به‌گونه‌ای است که هر چه از طیف ۱ به‌سوی طیف‌های بالاتر حرکت شود، از شدت و تأثیرگذاری طیف‌ها کاسته می‌شود، به‌گونه‌ای که طیف ۱ از قدرت تأثیرگذاری بیش‌تری نسبت به طیف ۲ و طیف ۲ از قدرت تأثیرگذاری بیش‌تری نسبت به طیف ۴ و در نهایت ضعیف‌ترین آنها طیف ۵ است.

۶-۴- نتایج نهایی طیف‌بندی تأثیر راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران طبق (جدول شماره‌ی ۲) محاسبه گردیده است. میانگین به‌دست آمده

از نقش هر یک از عوامل تأثیرگذار ۲۶۲/۵ امتیاز می‌باشد. از ۱۸ عامل مطرح شده، امتیاز ۱۱ عامل آن از حد متوسط میانگین بیش تر می‌باشد.

استفاده از بازیگران خارجی جهت دفع تهدید خارجی و اجرای عملیات جبرانی و تهدید موشکی جهت دفع تهدید نظامی به علت کسب امتیاز مساوی به‌عنوان تأثیرگذارترین عامل از بین عوامل ۱۸ گانه شناخته شده‌اند. جهت دفع تهدیدات خارجی با استفاده از بازیگران خارجی مثل گروه‌های تروریستی، می‌توان فجایع عظیمی را در کشور هدف به‌وجود آورد. دشمنان جمهوری اسلامی ایران قصد دارند از طریق بازیگران خارجی مثل القاعده و وهابیت، همواره این کشور را مورد تهدید قرار دهند. راهبرد "تهدید در مقابل تهدید" در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای باشد که مانع از تهدید بازیگران خارجی علیه کشورمان شود و از طرفی این راهبرد باید قابلیت بهره‌برداری از بازیگران خارجی مثل حزب‌الله، حماس و غیره را علیه دشمن داشته باشد.

با اجرای جنگ نیابتی از طریق بازیگران خارجی، علاوه بر دفع تهدیدات، از درگیری مستقیم با کشور هدف خودداری به‌عمل می‌آید. کشورهایی ضعیفی که همواره مورد تهدید قدرت‌های برتر قرار می‌گیرند، با بهره‌برداری از نقاط قوت خود از طریق اجرای عملیات جبرانی، می‌توانند نسبت به پوشش ضعف‌های عملیاتی خود اقدام نمایند، مثلاً چنانچه کشوری دارای نیروی هوایی ضعیف باشد، از طریق تهدید موشکی می‌تواند کشور هدف را تهدید نماید. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق تهدید موشکی و عملیات جبرانی نسبت به دفع تهدیدات خارجی و نظامی دشمن اقدام نماید.

همگرایی در اقتدار دفاعی همه‌جانبه به‌عنوان سومین عامل تأثیرگذار شناخته شده است، اقتدار دفاعی از طریق قدرت‌سازی و قدرت‌افزایی همه‌جانبه به‌دست می‌آید. اتخاذ راهبرد "تهدید در مقابل تهدید" در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران نباید باعث تحریک دشمن نشود، بلکه باید از طریق شناخت محیطی و بهره‌برداری از نقاط قوت و فرصت‌های موجود منجر به همگرایی در اقتدار دفاعی همه‌جانبه و قدرت‌سازی جمهوری اسلامی ایران شود.

انتقال کانون تهدید از اطراف جمهوری اسلامی ایران و بعیدالوقوع نمودن تهدیدات به عنوان چهارمین عامل تأثیرگذار شناخته شده است، راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید از طریق همگرایی با کشورهای منطقه باعث انتقال کانون تهدیدات از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و بعیدالوقوع نمودن آن شود. هر اندازه تهدیدات بالفعل نشود و کانون آن از محیط اطراف کشور منتقل گردد، به همان اندازه محیط امنیتی کم‌خطر برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌گردد. در چنین شرایطی کشور تهدیدکننده توانایی اجرای جنگ پیش‌دستانه را ندارد.

تهدیدات فرامکانی و فرازمانی جهت دفع تهدید متقارن به‌عنوان پنجمین عامل تأثیرگذار شناخته شده است. تهدیدات را می‌توان به دو گروه متقارن و نامتقارن یا هم‌طرز و ناهم‌طرز تقسیم نمود، کشوری که دارای تجهیزات نظامی بیش‌تر و بهتر است، تهدیدکنندگی بیش‌تری دارد. تهدید این کشور در مقابل یک کشور ضعیف‌تر تهدید متقارن یا هم‌طرز تلقی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران همواره به لحاظ موقعیت برتر ژئوپلیتیکی و گسترش و نشر بیداری اسلامی در سراسر جهان همواره در معرض تهدیدات متقارن یا هم‌طرز کشورهای اسلام‌ستیز منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار دارد، به‌منظور خنثی نمودن برتری منابع قدرت دشمن تهدیدکننده باید راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت فرامکانی و فرازمانی باشد.

اجرای جنگ دانش‌محور جهت دفع تهدید فناورانه و نفوذ در افکار عمومی کشور هدف جهت دفع تهدید تدریجی به‌علت کسب امتیاز مساوی به‌عنوان ششمین و هفتمین عامل تأثیرگذار شناخته شده‌اند. از آنجا که فناوری پدیده‌ای پیچیده و نه بسیط است، اقسام متفاوتی از تهدید نیز توسط آن تولید شده است. با توجه به این‌که دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش نموده تا از طریق فناوری برتر خود فرصت‌ها و نقاط قوت کشورمان را مورد هدف قرار دهند؛ از این‌رو، راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید با بهره‌برداری از شرکت‌های دانش‌بنیان، تهدیدات فناورانه‌ی دشمن را خنثی نماید و از طرفی با اجرای جنگ دانش‌محور دشمن را مورد تهدید قرار دهد.

تهدیدات یا به‌صورت دفاعی (مشخص و یک‌باره) و یا تدریجی (فرایندی) شکل می‌گیرند، تهدیدات فرهنگی به‌طور سریع یا دفاعی اتفاق نمی‌افتد. مقدمات شکل‌گیری چنین تهدیداتی متعدد است که تنها گذر زمان و تغییرات فرآیندی آن را امکان‌پذیر می‌کند. تجربه نشان داده است که دشمنان جمهوری اسلامی ایران توان اجرای تهدیدات دفاعی علیه کشورمان را ندارند و از طرفی بهترین روش برای اجرای تهدیدات تدریجی فراهم نمودن زمینه‌ی لازم از طریق نفوذ در افکار عمومی کشور هدف می‌باشد. بنابراین، راهبرد "تهدید در مقابل تهدید" در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر تأثیرگذاری مثبت روی افکار عمومی مردم جهان و کشور هدف، مانع از تأثیرپذیری مردم کشور در برابر تهدیدات فرهنگی دشمن باشد.

کاهش حجم پایگاه‌ها و نیروهای تهدیدکننده در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان هشتمین عامل تأثیرگذار شناخته شده است. راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید از طریق شناخت محیطی و از بین بردن ضعف‌ها و تهدیدهای موجود و بهره‌گیری از فرصت‌ها و نقاط قوت، باعث کاهش حجم پایگاه‌ها و نیروهای تهدیدکننده در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران گردد. در چنین شرایطی کشور تهدیدکننده‌ی توانایی اجرای جنگ پیشگیرانه را ندارد.

اعمال سیاست‌های پیش‌دستانه جهت دفع تهدید سیاسی و استفاده از گروه‌ها و احزاب مخالف، کشور هدف جهت دفع تهدید غیرسستی به‌علت کسب امتیاز مساوی به‌عنوان نهمین و دهمین عامل تأثیرگذار شناخته شده‌اند. تهدید سیاسی با هویت، موجودیت و منافع دولت سروکار دارد. دشمن همواره می‌کوشد از طریق اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران و دامن زدن به حرکت‌های جدایی‌طلبانه نسبت به تضعیف و آسیب‌پذیر نمودن دولت اقدام نماید؛ بنابراین، راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن ایجاد انسجام سیاسی بین دولت‌مردان باعث ایجاد وحدت و همدلی بین مردم و دولت گردد.

تهدیدات جدید یا غیرسستی دولت‌محور نبوده و به‌صورت فراملی، فراجغرافیایی و چندوجهی می‌باشند. دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره تهدیدات جدید خود را از طریق

گروه‌ها و احزاب مخالف و معاند مثل گروهک منافقین اعمال می‌کنند، پس راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای باشد که وحدت و همدلی را بین گروه‌ها و احزاب موجود فراهم نماید، و علاوه بر آن از اپوزیسیون‌های موجود در کشور هدف جهت تهدید علیه آن کشور استفاده نماید.

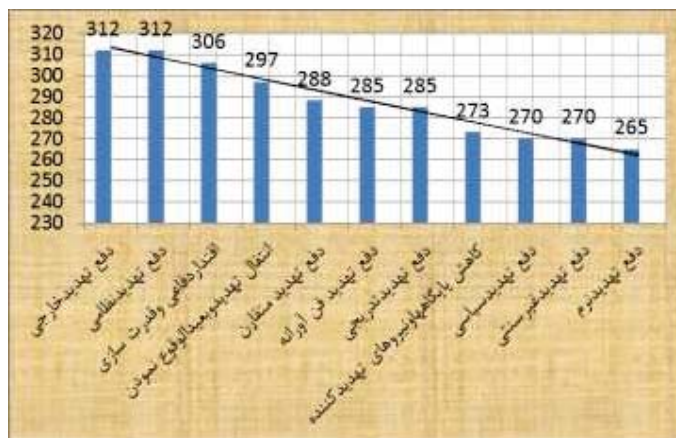
مختل نمودن شبکه‌های ماهواره و سایت‌های معاند جهت دفع تهدید نرم به‌عنوان آخرین عامل تأثیرگذار از بین عوامل ۱۸ گانه شناخته شده است. در بعضی از تهدیدات ابزار یا شیوهی مورد استفاده، نرم و غیرخشونت‌آمیز است، مانند استفاده از ماهواره، رسانه، فیلم و روش اقناع. دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره از طریق فیلتر نمودن و اختلال در شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان و هم‌چنین تقویت سایت‌های ماهواره‌ای معاند جمهوری اسلامی ایران قصد تهدید نرم علیه جمهوری اسلامی ایران را دارند. بنابراین، راهبرد «تهدید در مقابل تهدید» در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید به‌گونه‌ای باشد که دشمن نتواند سایت‌های معاند را تقویت نماید و از طرفی مانع از ایجاد اختلال در پخش شبکه‌های تلویزیونی کشور از طریق ماهواره باشد.

جدول شماره ۲ - نتایج نهایی طیف‌بندی تأثیر راهبرد تهدید در مقابل تهدید در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران

طیف	عوامل	امتیاز هرعامل	امتیاز کل طیف	درصد طیف به کل
یک	استفاده از بازیگران خارجی جهت دفع تهدید خارجی	۳۱۲	۲۰۸۵	۴۴/۱۲
	اجرای عملیات جبرانی و تهدید موشکی جهت دفع تهدید نظامی	۳۱۲		
	همگرایی در اقتدار دفاعی همه‌جانبه و قدرت‌سازی جمهوری اسلامی ایران	۳۰۶		
	انتقال کانون تهدید از اطراف جمهوری اسلامی ایران و بعیدالوقوع نمودن تهدیدات	۲۹۷		
	تهدیدات فرامکانی و فرازمانی جهت دفع تهدید متقارن	۲۸۸		
	اجرای جنگ دانش‌محور جهت دفع تهدید فناورانه	۲۸۵		

درصد طیف به کل	امتیاز کل طیف	امتیاز هرعامل	عوامل	طیف
		۲۸۵	نفوذ در افکار عمومی کشور هدف جهت دفع تهدید تدریجی	
۴۸/۹۱	۲۳۱۱	۲۷۳	کاهش حجم پایگاه‌ها و نیروهای تهدیدکننده در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران	دو
		۲۷۰	اعمال سیاست‌های پیش‌دستانه جهت دفع تهدید سیاسی	
		۲۷۰	استفاده از گروه‌ها و احزاب مخالف، کشور هدف جهت دفع تهدید غیرسستی	
		۲۶۵	مختل نمودن شبکه‌های ماهواره و سایت‌های معاند جهت دفع تهدید نرم	
		۲۶۱	نشر فرهنگ اسلامی- ایرانی جهت دفع تهدید اجتماعی	
		۲۵۲	همکاری پنهانی با کشورهای دوست جهت دفع تهدید غیرمستقیم	
		۲۴۶	تهدید همزمان دشمن در حوزه‌های مختلف جهت دفع تهدید چندوجهی	
		۲۳۷	اجرای اقتصاد مقاومتی جهت دفع تهدید اقتصادی	
		۲۳۷	منعقد نشدن و تمدید نشدن پیمان‌های دفاعی- امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران	
۴/۳۱	۲۰۴	۲۰۴	شناسایی مرکز ثقل تهدید در داخل کشور جهت دفع تهدید پراکنده	سه
۲/۶۴	۱۲۵	۱۲۵	مین‌ریزی دریایی و استفاده از منابع آبی جهت دفع تهدید زیست‌محیطی	چهار
۰	۰	۰	*****	پنج
	۹۴۵	۲۶۲/۵		میانگین
۹۹/۹۸		۴۷۲۵		جمع کل





نمودار شماره ۱ - تأثیرگذارترین عوامل در دفع تهدیدات دشمن

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

#### نتیجه‌گیری

در مقام پاسخگویی به سوال اصلی تحقیق راهکارهای ذیل ارائه می‌گردد:

الف) مدیریت تهدیدات با اتکا به سیاست‌های دفاعی نوین، باعث همگرایی در اقتدار

دفاعی همه‌جانبه و قدرت‌سازی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد،

ب) راهکارهای سیاست دفاعی باید به گونه‌ای باشد که مانع از انعقاد و یا تمديد شدن

پیمان‌های دفاعی - امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران گردد،

ج) مهم‌ترین هدف سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران دفع تهدیدها به صورت

تدریجی و مرحله‌ای علیه نظام، تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال کشور می‌باشد.

در رابطه با اولین سؤال فرعی تحقیق راهکارهای ذیل ارائه می‌گردد:

الف) با استفاده از بازیگران خارجی، تهدیدات خارجی دشمن دفع می‌گردد،

ب) با اجرای عملیات جبرانی و تهدید موشکی، تهدیدات نظامی دشمن دفع می‌گردد،

ج) به وسیله‌ی تهدیدات فرامکانی و فرازمانی، تهدیدات متقارن دشمن دفع می‌گردد،

(د) با اجرای جنگ دانش محور، تهدیدات فناورانه‌ی دشمن دفع می‌گردد،  
 (ه) با نفوذ در افکار عمومی کشور هدف، تهدیدات تدریجی دشمن دفع می‌گردد،  
 (و) با اعمال سیاست‌های پیش‌دستانه، تهدیدات سیاسی دشمن دفع می‌گردد،  
 (ز) به‌وسیله‌ی گروه‌ها و احزاب مخالف کشور هدف، تهدیدات غیرسستی دفع می‌گردد،  
 (ح) از طریق مختل نمودن شبکه‌های ماهواره و سایت‌های معاند جمهوری اسلامی ایران،  
 تهدیدات نرم دشمن دفع می‌گردد،  
 در رابطه با دومین سؤال فرعی تحقیق راهکارهای ذیل ارائه می‌گردد:  
 الف) بعیدالوقوع نمودن تهدیدات، باعث کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده می‌شود،  
 ب) انتقال کانون تهدید از اطراف جمهوری اسلامی ایران باعث انتقال پایگاه‌های دشمن  
 از محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.

در رابطه با سومین سؤال فرعی تحقیق طبق جدول شماره‌ی ۲ به علت کسب امتیاز کم‌تر  
 از میانگین ۲۶۲/۵ مورد تأیید قرار نگرفته و به همین دلیل، راهکار خاصی ارائه نمی‌گردد.

#### پیشنهادها

سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران باید با هدف مقابله با تهدیدات نرم و سخت طراحی شود.  
 نگرش مبتنی بر این سیاست پویا بوده و همراه با تحول در نوع تهدیدات و اولویت‌بندی آنها، تغییراتی را  
 مدنظر قرار دهد. جمهوری اسلامی ایران با طیفی وسیعی از تهدیدات نوین و پیچیده مواجه است. به این  
 ترتیب، نیازمند اتخاذ نوعی راهبرد است که تأمین‌کننده‌ی حداکثر منافع و امنیت ملی باشد. این راهبرد  
 باید از توانایی پاسخگویی به تهدیدات متنوع در یک زمان بهره‌مند باشد. در این حالت، برای آن‌که  
 مدیریت محیط امنیتی فراهم آید، در "نظام چندوجهی" جهت مقابله با "تهدیدات چندوجهی" اتخاذ  
 "راهبرد تهدید در مقابل تهدید" امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، به‌علت تبدیل شدن قطب‌های  
 سنتی قدرت به نظام‌های چندوجهی، پیشنهاد می‌گردد راهبرد "تهدید در مقابل تهدید" به‌عنوان یک  
 راهبرد جدید در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه بیش‌تر و جدی قرار گیرد.

## منابع

## فارسی

- ۱- قرآن کریم، سوره‌ی الانفال و بقره.
- ۲- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۷.
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری.
- ۴- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵) کالبد شکافی تهدید، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.
- ۵- بیات، سیاوش، همایش نقش علم و فناوری در جنگ‌های اخیر، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر، ۱۳۹۰.
- ۶- باری بوزان، مردم، دولت‌ها و هراس، (۱۳۷۸) پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- پیرس و رابینسون، برنامه‌ریزی مدیریت استراتژیک، (۱۳۸۰) ترجمه‌ی سهراب خلیلی شورینی، انتشارات یادواره کتاب، چاپ دوم.
- ۸- تریف، تری و دیگران، مطالعات امنیتی نوین، (۱۳۸۳) ترجمه‌ی علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- ساعد، نادر و علی‌دوستی، قاسم، دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن، (۱۳۹۰) در جمهوری اسلامی ایران فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره‌ی ۳۴.
- ۱۰- حسینی جیردهی، حسین، سیاست دفاعی، چارچوبی برای تحلیل سیاست دفاعی، (۱۳۷۳) سال اول، شماره‌ی یک.
- ۱۱- حسنلو، خسرو، (۱۳۸۸) مروری بر مفاهیم جنگ، اشارات آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- ۱۲- کالینز، جان ام، استراتژی بزرگ، (۱۳۷۰) ترجمه‌ی کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۳- محمدی‌نجم، سیدحسین، (۱۳۸۷) جنگ شناختی، بعد پنجم جنگ، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۱۴- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی (۱۳۷۹)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۵- نوروزی، محمدتقی، فرهنگ دفاعی امنیتی، (۱۳۸۵) انتشارات سنا.

- ۱۶- گروه مطالعاتی، تهدیدات نرم آمریکا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۷) دانشگاه عالی دفاع ملی.  
 ۱۷- گروه مطالعاتی، تدوین راهبرد پدافند غیرعامل کشور، (۱۳۸۶) دانشگاه عالی دفاع ملی.  
 ۱۸- سخنرانی سرلشکر غلامعلی رشید در همایش پژوهشی اسناد دفاع مقدس، ۸۹/۶/۲۷

## انگلیسی

- 19- Hirst, Paul, (2001), War and Power in the 21 Century, Polity Press.  
 20- Buzan & Others, (1998), Security. A New framework for Analysis.  
 21- Robert David Steele (1999), The Asymmetric Threat.  
 22- Michael L. Kolodzie (2001), The Asymmetric Threat.  
 23- Oxford Advanced Learner's Dictionary (2005), 7th edition: London, Oxford Press; Threat.  
 24- Richard Wyn Jones (1999), Security, Strategy and critical Theory: London Lynne Rienner publishers.  
 25- Buzan & Others, Security (2002) A New Framework for Analysis.  
 26- Jason E. Strakes, (2009) Institutional Effectiveness, Socio- Political Instability and Military Spending in Developing Nations: A Model of Internal Threat: School of Politics and Economics Claremont Graduate University, p.1-5.  
 27- Luis Gonzalez, Soft y "blando" Contagion Lexico y empobrecimiento Semantico, Commission Europea, P.8: [www.esletra.org/luis\\_gonzalez](http://www.esletra.org/luis_gonzalez).